

دکتر رابرت ای. پترسون، مکاشفه و کتاب مقدس جلسه ۱۹، کتاب مقدس، نتایج الهام، کتاب مقدس کافی، واضح و مفید است

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد مکاشفه و کتاب مقدس. این جلسه ۱۹ است، کتاب مقدس، نتایج الهام، کتاب مقدس کافی، واضح و مفید است.

ای پدر مهربان، بیا بید با هم دعا کنیم. از تو به خاطر هدیه کلامت سپاسگزاریم. بدون آن چقدر گمراه می شدیم.

ما را یاری کن تا آن را بسیار گرمی بداریم، به آن ایمان آوریم، از آن اطاعت کنیم و شب و روز در آن تأمل کنیم، همانطور که مزمور اول ما را به انجام آن تشویق می کند. ما را برکت ده، به واسطه عیسی مسیح، واسطه. آمین.

ما داریم درباره نتایج الهام صحبت می کنیم. کتاب مقدس معتبر است، کلام خداست، معتبر است، بی خطا است. کتاب مقدس کافی است.

کلام خدا هر آنچه را که قومش برای دستیابی به حیات جاودان و زندگی خداپسندانه نیاز دارند، فراهم می کند. این کفایت کتاب مقدس نامیده می شود. پطرس با اشاره به خدا، دوم پطرس ۱:۳ و ۴ توضیح می دهد. با شروع از آیه ۱، شمعون پطرس، غلام یکی از رسولان عیسی مسیح، به کسانی که، ESV خواندن از ترجمه به واسطه عدالت خدای ما و نجات دهنده عیسی مسیح، ایمانی برابر با ایمان ما کسب کرده اند.

فیض و آرامش در شناخت خدا و عیسی مسیح، خداوند ما، بر شما افزون باد. قدرت الهی او همه چیزهایی را که مربوط به زندگی و دینداری است، به ما عطا کرده است. از طریق شناخت او که ما را به جلال و کمال خود فراخوانده است، که به وسیله آنها وعده های گرانبها و بسیار بزرگ خود را به ما عطا کرده است، تا از طریق آنها شما شریک طبیعت الهی شوید و از فساد و دلایل تمایلات گناه آلود در جهان است، رهایی یابید.

به همین دلیل، تمام تلاش خود را بکنید تا ایمان خود را با فضیلت، و فضیلت را با دانش، و دانش را با خویشنداری، و خویشنداری را با پایداری، و پایداری را با دینداری، و دینداری را با محبت برادرانه، و محبت برادرانه را با عشق تکمیل کنید. اگر این ویژگی ها در شما باشند و در حال افزایش باشند، شما را از بی اثر بودن یا بی ثمر بودن در شناخت خداوند ما عیسی مسیح باز می دارند. پطرس قدرت خدا را ستایش می کند زیرا هر آنچه را که برای زندگی و دینداری لازم است، در اختیار ما قرار می دهد.

تنها چیزی که باید بدانیم خداست و دنبال تقدس رفتن. جلال و نیکی خدا، زیبایی و کمال اخلاقی او، کلام او را با وعده های بسیار عظیم و گرانبهایش به ما می دهد. در عوض، وعده های کتاب مقدس ما را قادر می سازد تا در ذات خدا سهیم شویم و از فساد دنیا رهایی یابیم.

آیه چهارم، منظور پطرس این نیست که ما الهی خواهیم شد، بلکه منظور این است که به لطف خدا، در بازگشت مسیح، از فضایل اخلاقی او بهره مند خواهیم شد. حتی اکنون، خدا از کلام خود برای ترویج خداترسی قوم خود استفاده می کند. کتاب مقدس برای نجات و تقدیس کسانی که به آن ایمان دارند، کافی است.

من نتوانستم مرجع خوبی که باید به اثر ون هوسر می‌دادم، ارائه دهم. کوین ون هوسر، معاشناسی ادبیات کتاب مقدس، دوباره در آن کتاب، هرمنوتیک، مرجعیت و قانون. کوین جی. ون هوسر، معاشناسی ادبیات کتاب مقدس در هرمنوتیک، مرجعیت و قانون.

اینجاست که آن چیزهایی که من ارائه می‌دادم، آن آموزه‌هایی که ارائه می‌دادم، از نظریه کنش گفتاری ناشی می‌شود و در مطالعات کتاب مقدس در مورد استفاده ون هوسر از کلمه خطاناپذیری به معنای وسیع‌تری که شامل بی‌خطایی و همچنین ایده‌های دیگر می‌شود، کاربرد دارد. کلام خدا نیز برای هدایت ما کافی است. پطرس کلام را به چراغی تشبیه می‌کند که در اتاق تاریک نور می‌دهد.

همانطور که قبلاً دیدیم، ما کلام نبوی را به طور کامل‌تری تأیید کرده‌ایم، که شما باید به آن توجه کنید، مانند چراغی که در مکانی تاریک می‌درخشد تا سپیده دم و ستاره صبح در قلب‌های شما طلوع کند. اگرچه جهان تاریک است، عاری از دانش خدا، ما کلام را داریم و آن را به عنوان چراغی برای پاهایمان و نوری برای مسیرمان، مزمور ۱۱۹، ۱۰۶، تا آمدن دوباره مسیح، دنبال می‌کنیم. ما آن را دنبال می‌کنیم.

این ما را هدایت می‌کند. برای هدایت ما کافی است. عقل، تجربه و سنت، همگی جایگاهی در مطالعات الهیاتی دارند، همانطور که هنگام بررسی مراجع خود برای انجام الهیات تأیید کردیم، اما آنها تابع کتاب مقدس هستند که به تنهایی کافی است، و این راه دیگری برای رسیدن به حقیقت «تنها کتاب مقدس» است.

تنها کتاب مقدس راهنمای کافی ما برای زندگی و تعلیم، اصول و اخلاق است. در تمثیل عیسی، وقتی مردی ثروتمند در جهنم از پدر ابراهیم، که از جانب خدا سخن می‌گوید، می‌پرسد، این لوقا ۱۶ است، تمثیل مرد ثروتمند و ایلعازر، و بله، این یک تمثیل است، ویژگی‌های تمثیلی زیادی دارد، صرفاً به این دلیل که از این نام استفاده شده است، آن را به یک قسمت از واقعیت تاریخی واقعی تبدیل نمی‌کند، اما یک تمثیل است. وقتی مرد ثروتمند در جهنم از پدر ابراهیم، شخصیت خدا، خواست کسی را از مردگان بفرستد تا برادران توبه نکرده‌اش را هشدار دهد، ابراهیم گفت که آنها موسی و پیامبران را دارند.

بگذارید به آنها گوش دهند. نه، پدر ابراهیم، مرد ثروتمند جهنمی، گفت، اما اگر کسی به سراغ مردگان برود، به سراغ آنها برود، توبه خواهند کرد. پدر ابراهیم، از طرف خدا، می‌گوید اگر آنها به موسی و انبیا گوش ندهند، اگر کسی از مردگان برخیزد، گوش نخواهند داد.

لوقا ۱۶، ۲۹ تا ۳۱. کتاب مقدس کافی است. پیام آن کافی است.

البته طنز ماجرا در این است که وقتی لوقا آن را نوشت، عیسی از مردگان برخاسته بود و بسیاری از مردم هنوز در بی‌ایمانی پافشاری می‌کردند. با این حال، کفایت کتاب مقدس به این معنی نیست که ما به یکدیگر یا هیچ چیز دیگری نیاز نداریم. بدیهی است، همانطور که در فرآیند یا روش الهیات بحث کردیم، خداوند رهبران و معلمان کلیسا را به ما می‌دهد تا به ما در یادگیری و به کارگیری کلام کمک کنند.

ما به دیگران نیاز داریم که به ما آموزش دهند، و آنها نیز به ما نیاز دارند. الهام از کتاب مقدس نتایج متفاوتی به دنبال دارد. این کلام خداست.

معتبر است. بی‌خطا است. کافی است.

و کتاب مقدس نیز واضح یا آشکار است. این کتاب دارای ویژگی‌های وضوح و روشنی است. خداوند خود را چنان در کتاب مقدس آشکار می‌کند که قوم توانستند پیام اساسی آن را درک کنند.

این وضوح یا روشنی کتاب مقدس نامیده می‌شود. کلام، نادان یا ساده‌لوح را حکیم می‌سازد. مزمور ۱۹:۷ والدین باید کلام را به فرزندان خود بیاموزند.

تثنيه ۶: ۱ تا ۹. از مؤمنان انتظار می‌رود که کلام را بفهمند. با این حال، وضوح کتاب مقدس به این معنی نیست که همه چیزهای موجود در آن به یک اندازه قابل فهم هستند. رومیان ۱۱: ۳۳ تا ۳۶، جایی که پولس از حکمت خدا که در رفتارش با یهودیان و غیریهودیان آشکار شده، شگفت‌زده می‌شود.

آه، چه ژرف است ثروت و حکمت و دانش خدا. احکام او چقدر کاوش‌ناپذیر و راه‌های او چقدر مرموز است؟ زیرا کیست که فکر خداوند را دانسته باشد؟ یا کیست که مشاور او بوده باشد؟ یا کیست که به او هدیه‌ای داده باشد تا پاداشی به او داده باشد؟ زیرا همه چیز از او و به وسیله او و برای اوست.

جلال تا ابد بر او باد. آمین. دوم پطرس ۳:۱۶ جایی است که پطرس می‌گوید، در نوشته‌های پولس، چیزهایی وجود دارد که درک آنها دشوار است.

ما از این بابت بسیار سپاسگزاریم. خوشحالم که پیتر اینطور فکر می‌کرد. وضوح کتاب مقدس

به این معنی نیست که همه چیز به سادگی قابل درک است. بلکه به این معنی است که انجیل و آموزه‌های اساسی کتاب مقدس، از جمله آموزه‌های مربوط به زندگی مسیحی، قابل درک هستند. خداوند کلام خود را الهام می‌بخشد تا به ما بیاموزد و ما را تغییر دهد.

و او این کار را به طور مؤثر و واضح انجام می‌دهد. دیدگاه‌هایی از کلیسای جهانی. خوان کیم از کره جنوبی نوشت که کتاب مقدس فقط برای نخبگان و به ویژه افراد معدودی که مورد توجه هستند، قابل دسترسی نیست.

کتاب‌های کتاب مقدس که توسط نویسندگان انسانی بسیاری از مکان‌های مختلف در طول قرن‌های متمادی نوشته شده‌اند، وضوح آن را تضعیف نمی‌کنند. منحصراً به فرد بودن تألیف الهی، تداوم و وحدت ارگانیک محتوا و پیام آن را تضمین می‌کند. با این حال، اگرچه درک کتاب مقدس در برخی جاها دشوار است، اما این به دلیل نخبه‌گرایی نویسندگان کتاب مقدس نیست.

کتاب مقدس برای مردم عادی نوشته شده است، نه با استفاده از نوعی زبان آسمانی یا کلمات رمزآلود مرموز، بلکه با زبان ساده و معمولی که خوانندگان اولیه کتاب مقدس می‌توانستند به راحتی آن را تفسیر کنند. در نتیجه، کسانی که امروزه با جدیت به دنبال درک کتاب مقدس هستند، می‌توانند از موفقیت در تلاش خود مطمئن باشند. خوان کیم، اعتبار و اقتدار کتاب مقدس در کتاب مقدس مطالعه جهانی.

نقل قول‌ها نشان می‌دهند که این موضوع واقعاً جهانی است، اینطور نیست؟ با این حال، مؤمنان کتاب مقدس را با کمک خدا می‌خوانند، زیرا روح القدس معلم آنهاست. این روشنگری خدا از کلامش است. روشنگری کار روح القدس است تا مردم را قادر سازد کتاب مقدس را درک کنند، باور کنند و به کار گیرند.

همان روحی که کلام خدا را الهام می‌بخشد، در ما کار می‌کند تا پیام آن را بپذیریم. در میان تبعیدیانی که در زمان نبوکدنصر پادشاه به بابل برده شدند، قحطی کلام خدا وجود داشت، که به همراه نحμία و دیگران به اورشلیم بازگشتند. نحμία ۴: ۷-۷.

مردم از عزرا، کاتب، می‌خواهند که کتاب مقدس را برایشان بخواند. نحμία ۱: ۸. او این کار را از سپیده دم تا ظهر برای بزرگسالان و کودکانی که به سن درک مطلب رسیده‌اند، انجام می‌دهد.

نقل قول: همه مردم با دقت به کتاب تورات گوش فرا دادند. نحμία ۸:۳. کلام برای آنها واضح است و آنها آن را می‌فهمند.

نقل قول، همه مردم هنگام شنیدن گریه می‌کردند. نقل قول نزدیک، آیه ۹. پس از اینکه آنها تشویق ۴ شدند، و نیاز به تشویق داشتند، جشن بزرگی گرفتند، نقل قول، زیرا کلماتی را که برایشان توضیح داده شده بود - آیه ۱۲ - درک کرده بودند.

کتاب مقدس واضح است. همانطور که نحμία، کاتب، کلام خدا را توضیح می‌داد و سایر لایوان به او کمک می‌کردند، مردم درک می‌کردند و به خاطر گناهانشان گریه می‌کردند، اما به خاطر بخششی که خدا در کلامش به آنها ارائه می‌داد، شادمان بودند. پس از آنکه یهودیان حسود در تسالونیک شورش کردند، مؤمنان پولس و سیلاس را به بیریه فرستادند، اعمال رسولان ۱۰:۱۷.

طبق رسمشان، به کنیسه می‌روند و مسیح را موعظه می‌کنند. لوقا، نویسنده اعمال رسولان، اهالی بیریه را ستایش می‌کند و می‌گوید: مردم اینجا از مردم تسالونیک شریف‌تر بودند، زیرا کلام را با اشتیاق می‌پذیرفتند و روزانه کتاب مقدس را بررسی می‌کردند تا ببینند آیا این چیزهایی که رسولان تعلیم می‌دادند، چنین است یا خیر. آیه ۱۱ -

اهالی بیریه با اشتیاق و پشتکار عهد عتیق را مطالعه کردند تا ببینند آیا پیام پولس در مورد مسیح حقیقت دارد یا خیر. در اینجا فرض بر این است که کتاب مقدس واضح است. اهالی بیریه توانستند پیام عهد عتیق در مورد مسیح را درک کنند.

آنها آن پیام را با سخنان پولس مقایسه کردند و سخنان او را درست یافتند. کلام خدا واضح و قدرتمند است. «در نتیجه، بسیاری از ایشان به آن ایمان آوردند، از جمله تعدادی از زنان برجسته یونانی و همچنین مردان.» اعمال رسولان ۱۷ و آیه ۱۲.

در نهایت، چون کلام خدا الهام شده است، چون کتاب مقدس الهام شده است، کلام خداست، معتبر است، بی‌خطا است، واضح است، کافی و واضح است، همچنین مفید است، و ما نباید این را از قلم بیندازیم. کلام مقدس خدا از بسیاری جهات برای مؤمنان مفید و سودمند است.

اولاً، همانطور که تیموتائوس در جوانی آموخت، این به تنهایی پیام نجات را به ارمغان می‌آورد. پولس به او یادآوری می‌کند که تو می‌دانی که از کودکی، کتب مقدس، نوشته‌های مقدس را می‌شناسی، که می‌تواند تو را برای نجات از طریق ایمان به مسیح عیسی حکمت بخشند. دوم تیموتائوس ۳:۱۵.

دوم، خدا از کتاب مقدس برای تجهیز کشیشان برای خدمتشان استفاده می‌کند. خدا کلام خود را الهام کرد، نقل قول، تا مرد خدا کامل و برای هر کار نیکو مجهز باشد. آیه ۱۷.

علاوه بر این، وظیفه اصلی کشیش، خدمت به کلام خدا برای قوم خداست. کلام را نقل قول کنید، موعظه کنید، در زمان و خارج از زمان آماده باشید، با صبر و شکیبایی فراوان، توبیخ کنید، اصلاح کنید و تشویق کنید. دوم تیموتائوس ۴:۲. البته، متن الهام‌بخش بزرگ، اگرچه از نظر فنی خطاب به مردان خدا، یعنی کشیشان است، اما البته در مورد گله‌های مردان خدا نیز صدق می‌کند.

سوم، کتاب مقدس پادزهر خدا برای زهر آموزه‌های نادرست است. دو متن بزرگ عهد جدید در مورد کتاب مقدس، دوم تیموتائوس ۳:۱۶، ۱۷، و دوم پطرس ۱:۲۰ و ۲۱، در زمینه‌هایی قرار دارند که نسبت به

آموزه‌های نادرست در روزهای آخر هشدار می‌دهند. دوم تیموتائوس ۴:۳ و ۴، دوم پطرس ۲:۱ و ۲ را مقایسه کنید. خدا کلام خود را برای محافظت از قوم خود در برابر آموزه‌های نادرستی که مشخصه روزهای آخر است، می‌دهد.

چهارم، ابزار اصلی خدا در کتاب مقدس برای کمک به قومش در رشد در فیض و شناخت مسیح. پولس در این مورد یک جمله کلی و قدرتمند ارائه می‌دهد. خدا کتاب مقدس را نقل قول می‌کند و آن برای تعلیم، توبیخ، اصلاح و تربیت در عدالت قدرتمند است، دوم تیموتائوس ۳:۱۶.

قبل از اینکه به جزئیات مربوط به کیفیت مفید کتاب مقدس، تحت عنوان شفافیت، بپردازم، باید به این حقیقت نیز اشاره می‌کردم. ما شفافیت کتاب مقدس را تأیید می‌کنیم و برای اهمیت عملکرد روح القدس با کلام ارزش قائلیم. بنابراین، منظور ما این نبود که روح را کنار بگذاریم.

ما روح را از قلم نینداختیم، اما لازم است دوباره گفته شود. روح، کلام را می‌گیرد و آن را در زندگی شنوندگان مؤثر می‌سازد. کلام واضح است، اما این، ضرورت کارکرد روح را منتفی نمی‌کند.

در زندگی افراد نجات نیافته، بدون کار روح، آنها نجات نمی‌یافتند. در زندگی مؤمنان، روح ما را هدایت و تعلیم می‌دهد و ذهن ما را نسبت به کلام و غیره روشن می‌کند. وقتی صحبت از جزئیات می‌شود، خداوند از کلام برای خدمت به قوم خود به طرق مختلف استفاده می‌کند.

از مزمور ۱۹ می‌آموزیم که کلام خدا زندگی را تجدید می‌کند، حکمت می‌آورد، شادی می‌پروراند، حقیقت را تعلیم می‌دهد، هشدار می‌دهد و به برکت منجر می‌شود. مزمور ۱۹، ۷-۱۱. مطمئن نیستم.

ما متوجه می‌شویم که مزمور ۱۱۹، طولانی‌ترین فصل کتاب مقدس، پر از راه‌هایی است که خدا از کلامش برای منفعت ما استفاده می‌کند. کتاب مقدس باعث احترام به خدا می‌شود، آیات ۳۸ و ۷۹. آیات ۹ و ۱۱ آن را تطهیر می‌کند.

تقویت می‌کند، ۲۸، ۱۷۵. تسلی می‌دهد، ۵۰ و ۵۲. و حیات می‌بخشد، آیات ۹۳ و ۱۵۶. امید می‌آورد، آیات ۱۱۶. تشخیص، ۶۶. حکمت، آیات ۹۸ تا ۱۰۰. فهم می‌آورد، آیات ۱۰۴، ۱۳۰، ۱۶۹. و هدایت ۴۹، اینها صرفاً گزیده‌هایی هستند. ۱۳۰، ۱۰۵.

هر یک از این موارد در بخش‌های بسیار بیشتری از این فصل بزرگ کتاب مقدس استفاده شده است. کلام خدا از این جهت مفید است که در ما نگرش‌هایی نسبت به کلام خدا ایجاد می‌کند، مانند اشتیاق به آن، آیات لذت بردن از آن، آیات ۱۶، ۱۷۴ - ۱۳۱، ۴۰.

عشق به آن، ۹۷، ۱۶۷. و ترس، احترام و ترس شایسته برای خدا و حقیقت او، آیات ۱۲۰، ۱۶۱. علاوه بر این، باعث تفکر می‌شود، ۱۵، ۱۴۸. اطاعت، ۵، ۱۱۲. شادی، آیات ۲، ۱۱۱. شادی، ۴، ۱۶۲. امید، ۴۳. و سپاسگزاری از خدا، آیه ۶۲. و یک بار دیگر، برای بسیاری از آنها، من فقط دو مورد را انتخاب کردم. ۱۴۷.

خیلی چیزهای دیگر هم بود. ارزش بی‌قیمت کلام خدا ما را وادار می‌کند که سخنان مزمورنویس را تکرار کنیم. بروم ESV یک بار دیگر، می‌خواهم به سراغ

مزمور ۱۱۹، آیه ۱۸. چشمان مرا بگشا تا از شریعت تو چیزهای شگفت‌انگیز ببینم. ۷۲ شریعت دهان تو برای من از هزاران پاره طلا و نقره بهتر است.

هزاران ۸۹، ای خداوند، کلام تو تا ابد در آسمان‌ها پایدار است. مزمور ۱۱۹، ۸۹.

سخنان تو چقدر به مذاق من شیرین است. شیرین‌تر از عسل به دهان من. و در آخر، ۱۶۲، من از کلام ۱۰۳ تو شادمانم، مانند کسی که غنیمت فراوانی یافته باشد.

در واقع، این پایان سخنرانی‌های من در مورد آموزه‌های وحی و کتاب مقدس است. اما می‌خواهم به اشتراک بگذارم که برای انجام این کار، پاسخ‌های شگفت‌انگیزی به سوالات متداول از این کتاب عالی، وقت داریم دی. ای. کارسون این وظیفه را بر عهده گرفته است که چه به تنهایی و چه با دیگران در انجام برخی کارهای شگفت‌انگیز مشارکت داشته باشد.

او آن دو جلد را با همکاری دیگران انجام داد، حداقل دو محقق دیگر آیات را ویرایش کردند و دو کتاب در پاسخ به مسائل مربوط به توجیه ناشی از بحث در مورد نوشته‌های پولس، دیدگاه جدید در مورد پولس نوشتند. او و گرگ بیل کتاب فوق‌العاده‌ای در مورد استفاده عهد جدید از عهد قدیم نوشتند، کتابی بزرگ. این هم یک کتاب بزرگ دیگر.

کارسون ویراستار است. مرجعیت پایدار متون مقدس مسیحی. سال‌هاست که به چنین کتابی نیاز داریم.

کارسون جمع‌بندی کرد که این ۲۰، ۳۷ محقق درجه یک انجیلی با انواع تخصص‌ها بودند. خوب، می‌توانیم از این کار در خلاصه کردن سوالات متداول و سوالات متداول در پایان، بهره ببریم. عدد اول به فصلی اشاره دارد که سوال در آن مورد بحث قرار گرفته است.

دومین شکل پس از نقطه، سوال شماره ۱.۱ است. چرا امروزه بحث مرجعیت کتاب مقدس تا این حد داغ است؟ ما در زمانی زندگی می‌کنیم که بسیاری از صداهای رقیب برای تحمیل برداشت‌های خود از زندگی فرهنگ، معنویت و بسیاری موارد دیگر تلاش می‌کنند. در عصر اصالت، به گفته چارلز تیلور، آنچه ما را اصیل می‌کند این است که ما سوءظن ذاتی به مراجع قدرت داریم تا بتوانیم آزاد باشیم که خودمان باشیم. از دیدگاه کتاب مقدس، این تا حدودی فرار مذموم از خدا و نوعی بت‌پرستی است.

چرا مسائل پیرامون مرجعیت کتاب مقدس اینقدر پیچیده است؟ بخش زیادی از این پیچیدگی به طیف ۱.۲ وسیعی از رشته‌هایی مربوط می‌شود که بر نحوه درک ما از مرجعیت کتاب مقدس تأثیر می‌گذارند. این موارد شامل اختلافاتی در مورد چگونگی درک مرجعیت کتاب مقدس در مقاطع مختلف تاریخ کلیسا، چیستی حقیقت، ماهیت وحی، اصول تفسیر، چگونگی روش‌های مختلف ژانرهای ادبی مختلف در کتاب مقدس برای «ایجاد جذابیت‌های بلاغی خود، نقد متن، معرفت‌شناسی و موارد بسیار دیگر می‌شود. آیا کلمه «خطاناپذیری کاملاً بی‌فایده نیست؟

از آنجایی که برای اینکه اصلاً به کار گرفته شود، باید بسیار دقیق و فنی تعریف شود، پاسخ دهید ۱.۳. کلمات بسیار کمی در مجموعه واژگان الهیاتی وجود دارند که اگر قرار است ارتباط دقیق و بحث جدی صورت گیرد، نیازی به دقت و تعریف آنها نباشد. گذشته از همه اینها، خدا، کلمه خدا، توجیه، روح آخرالزمانی تجدید حیات، تقدیس و موارد دیگر را در نظر بگیرید. با این حال، کلمه‌ای که در بحث الهیاتی مفید است باید با دقت تعریف شود.

دلیلی برای عدم استفاده از آن وجود ندارد. در مورد خطاناپذیری، خطاناپذیری هیچ ارتباطی با دقت ندارد و مطمئناً قابل درک است که کتب مقدس در طیف گسترده‌ای از جملات و بندها نوشته شده‌اند که همه آنها گزاره نیستند.

کتاب مقدس چه نقشی در نوشته‌های پدران کلیسا، دوره آباء، ایفا می‌کند؟ کتاب مقدس در مرکز زندگی ۲.۱. فکری و معنوی مسیحیان قرون اولیه کلیسای مسیحی قرار داشت.

آنها همیشه آن را به درستی درک نمی‌کردند، اما عاشقش بودند. به آن وفادار بودند. در این شکی نیست.

۲.۲. آیا شکل‌گیری مجموعه عهد جدید، تحولی نسبتاً دیرنگام نبود؟ مطالعه دقیق منابع اولیه نشان می‌دهد که مفهوم مجموعه عهد جدید به عنوان مجموعه‌ای از نوشته‌های الهام‌بخش و معتبر، در قرن دوم به خوبی تثبیت شده بود. آیا لوتر و کالوین هنگام تدوین دکترین الهام، یعنی دکترین کتاب مقدس، نوآوری قابل توجهی ارائه دادند؟ هر دو اصلاح‌گر، وارث دیدگاه والایی نسبت به کتاب مقدس بودند که از کلیسای اولیه و از دانشمندان قرون وسطی دریافت کرده بودند. سهم آنها، تا آنجا که به درک آنها از ماهیت کتاب مقدس مربوط می‌شود، عمدتاً در آزادسازی کتاب مقدس از رام شدن توسط برخی سنت‌های کلیسایی و با محدود کردن اندک تمثیل‌گرایی نهفته است.

از نظر الهیاتی، نوعی مسیح‌محوری و توجیه‌محوری در نحوه برخورد آنها با کتاب مقدس وجود دارد که آنها را متمایز می‌کند، اما چنین تفسیری توجه به کتاب مقدس به عنوان مرجع سایر امور در زندگی کلیسا و مؤمنان را منتفی نکرد.

۳.۲. آیا اظهار نظر معروف لوتر مبنی بر اینکه یعقوب رساله‌ای بی‌ارزش است، نشان نمی‌دهد که او آماده بود ۳.۲. وقتی کتاب مقدس با الهیات او سازگار نبود، آن را کنار بگذارد؟ پاسخ، برعکس. در همان مقدمه‌ها، لوتر اصرار دارد که یعقوب کتاب خوبی است زیرا هیچ آموزه انسانی را مطرح نمی‌کند، بلکه به شدت شریعت خدا را ترویج می‌دهد.

نقل قول نزدیک. اما لوتر تمایل داشت وزن هر متن کتاب مقدس را با وضوحی که با آن مسیح و عادل شمردگی را شرح می‌دهد، ارزیابی کند. این قطعاً درست است.

از این رو، او یعقوب را به عنوان رساله‌ای پوچ توصیف می‌کند. خدای من. دیدگاه‌های لوتر و کالوین در مورد آموزه کتاب مقدس چقدر مشابه است؟ ۳.۳. یعنی، منظور از سه، فصل سوم این کتاب است.

فهمیدم. درست است. فهمیدم.

درست است. پس از نکته، به شماره سوال مراجعه کنید. دیدگاه‌های لوتر و کالوین در مورد آموزه کتاب مقدس چقدر مشابه است؟

هر دوی این اصلاح‌طلبان، اقتدار مطلق کلام خدا را پذیرفتند که از آن، روح‌القدس که متن را از طریق ۳.۳. نویسندگان بشری به وجود آورده است، هنوز هم سخن می‌گوید.

تفاوت‌های اندکی در فرمول‌بندی‌های آنها ظاهر می‌شود. برای مثال، لوتر به طور قابل توجهی تحت تأثیر ویلیام اوکامی بود و کالوین نه. باز هم، لوتر به اندازه کالوین از کلمه الهام استفاده نمی‌کند، اما اصرار دارد که روح‌القدس واقعاً در منشأ و در استفاده از کتاب مقدس حضور داشته است.

متوجه شدم. منظور از ۳.۳ در فصل سوم این جلد، یعنی مقاله سوم، سه سوال است که در اینجا ۴.۱. فهرست شده‌اند. بنابراین، ۴.۱، آیا دانشمندان قرن هفدهم، مانند کپلر، گالیله و نیوتن، مانند کوپرنیک یک قرن قبل، اساساً گونه‌های اولیه سکولارها نبودند که روش‌های علمی‌شان آنها را آزاد می‌گذاشت تا مرجعیت کتاب مقدس را به چالش بکشند؟ خیر.

همه این مردان مسیحی یا دئیست بودند که همچنان به کتاب مقدس احترام می‌گذاشتند. اما از نظر هرمنوتیکی، آنها تمایل داشتند استدلال کنند که وقتی صحبت از نظم طبیعی می‌شود، کتاب مقدس تمایل دارد به صورت پدیدارشناختی صحبت کند، به عبارت دیگر، از کلمه‌ای که امروزه ترجیح می‌دهیم استفاده کنیم. و برخی از این دانشمندان به کتاب مقدس با تمام اقتدار آن استناد کردند تا یادگیری در مورد خدا و راه‌های او را با مطالعه نظم طبیعی که خدا آفریده است، توجیه کنند.

بنابراین، چه زمانی رویکردی شکاکانه‌تر به متون مقدس در میان دانشمندان پدیدار شد؟ آیا این‌ها ۴.۳. سوالات خوبی نیستند؟ عالی. تا قرن هجدهم، و حتی در آن زمان، شواهد کاملاً متناقض است.

آیا اینطور نیست که بسیاری از مسیحیان در سنت‌های زهدگرا، متدیست، تقدس‌گرا و پنطیکاستی ۵.۱. حداقل بخشی از ریشه‌های خود را به اسپینر و دیگر زهدگرایان آلمانی می‌رسانند؟ و این شامل دیدگاه‌های آنها در مورد کتاب مقدس نیز می‌شود؟ بله، این کاملاً درست است.

آیا اینطور نیست که اسپینر و دیگر پارسایان اولیه، تا حدودی به دلیل واکنش خود به ارتدکس لوتری ۵.۲. خطاناپذیری کتاب مقدس را رد کردند؟ درست است که این موضع اغلب، به ویژه در نوشته‌های دونالد دیتون، مطرح می‌شود. اما بررسی دقیق منابع اولیه نشان می‌دهد که اینطور نیست. پارسایان اولیه، به شهادت خودشان، کاملاً در اردوگاه خطاناپذیران بودند.

آنها دیدگاه‌های لوتری‌ها در مورد کتاب مقدس را رد نمی‌کردند. بلکه دائماً از لوتری‌ها به دلیل عدم پایبندی به الهیات خودشان انتقاد می‌کردند، از این رو به آنها پیتیست و پیتیسم گفته می‌شد. آیا بسیاری از وسلیایی‌ها صریحاً موضع سنتی در مورد خطاناپذیری را رد می‌کنند؟ برخی این کار را می‌کنند زیرا اسناد اولیه در مورد پیتیسم را اشتباه خوانده‌اند، به بالا مراجعه کنید، یا به این دلیل که خود را از میراث جریان اصلی وسلیایی در این موضوع دور می‌کنند.

برخی دیگر موضع سنتی وسلیان در مورد کتاب مقدس را رد می‌کنند زیرا فکر می‌کنند که با دفاع از اراده آزاد ناسازگار است. با این حال، ویلیام لین کریگ نشان داده است که منطق آنها غیرقابل انکار نیست.

پرینستونی‌های قدیمی چه کسانی هستند و چرا در ارتباط با بحث‌های مربوط به ماهیت کتاب مقدس ۷.۱. مطرح می‌شوند؟ عبارت پرینستونی‌های قدیمی به متکلمان و محققان کتاب مقدس بسیار فرهیخته و تأثیرگذار در حوزه علمیه پرینستون در قرن نوزدهم، از جمله آرچیبالد الکساندر، چارلز هاج و بنجامین پی. وارفیلد اشاره دارد که دومی تا آغاز قرن بیستم فعالیت می‌کرد.

معمولاً ادعا می‌شود که آنها در موضع دفاعی خود در برابر تهاجمات به دکتربین کتاب مقدس در زمان خود، در نهایت نوآوری‌هایی را در این دکتربین وارد کردند و از تأیید خطاناپذیری که قبل از آنها ناشناخته بود، اجتناب کردند. به طور دقیق‌تر، 7.2، ادعا می‌شود که پرینستونی‌های قدیمی چه کاری انجام داده‌اند؟ تحت تأثیر واقع‌گرایی عقل سلیم اسکاتلندی و دیدگاه بیکنی از علم، ظاهراً پرینستونی‌های قدیمی کتاب مقدس را مخزنی از حقایق خطاناپذیر می‌دانستند که صرفاً باید به شیوه‌ای علمی با دقت جمع‌آوری می‌شدند تا یک الهیات سیستماتیک قابل اعتماد تدوین شود. آیا اتهامات علیه پرینستونی‌های قدیمی موجه است؟ در حالی که آنها مردانی از زمان خود بودند که بدون شک مرتکب اشتباه می‌شدند، پرینستونی‌های قدیمی به درستی دفاع خود از کتاب مقدس خطاناپذیر را بر اساس میراث کلاسیک و مشترک کلیسا می‌دانستند.

در زمان آنها، انتقادات بدیعی از آموزه‌های کلیسا بر پایه‌های کانتی و هگلی در حال تثبیت بود. دفاعیه آنها با وفاداری آموزه‌های کلیسا را بازگویی می‌کرد و شامل انتقادات تندی از بیکن‌گرایی و رئالیسم مبتنی بر عقل سلیم اسکاتلندی بود. آنها ساده‌لوحانه کاری انجام ندادند.

آنها باهوش بودند. در واقع، آنها علم زمان خود را نیز می‌دانستند. واقعاً شگفت‌انگیز است

آنها انتقادات صریحی به بیکن‌گرایی و واقع‌گرایی مبتنی بر عقل سلیم اسکاتلندی وارد کرده بودند. همانطور که سیمن می‌گوید، نقل قول، تأیید و دفاع پرینستونی از آموزه‌های کلیسا در مورد مرجعیت کتاب مقدس، مدیون یک موضع معرفت‌شناختی غیرقابل دفاع نیست، نقل قول نزدیک. نه تنها چنین است، بلکه هم‌هاج و هم‌وارفیلد در بررسی چگونگی ساختار مسئولانه الهیات سیستماتیک، ژرف‌نگری قابل توجهی از خود نشان دادند.

خیلی با این که آن را یک مجموعه مکانیکی، یا مجموعه‌ای از حقایق بدانیم، فاصله دارد. به نظر من، بعضی از این حملات توسط افرادی انجام می‌شود که مثلاً کارل هنری یا وارفیلد را نخوانده‌اند. بله، آنها اشتباه کردند، اما وای

منظور از تطبیق چیست؟ در کتاب آباء کلیسا، قرون وسطی و کالوین، موضوع تطبیق تا حدودی از تأمل در مورد راه‌هایی که خدای نامتناهی و مقدس می‌تواند با حاملان تصویر محدود و گناهکار خود ارتباط برقرار کند ناشی شده است. او می‌توانست این کار را با تطبیق خود، تنها با تطبیق خود با محدودیت‌های آنها، و تا حدودی به عنوان راهی برای توضیح تناقضات آشکار در متن کتاب مقدس انجام دهد. زیان اغلب با درک انسان‌های عادی تطبیق داده می‌شود، یعنی با توصیف برخی چیزها به زبان پدیدارشناختی، که البته ما هنوز هم وقتی می‌گوییم چیزهایی مانند خورشید صبح ساعت ۵:۳۹ طلوع خواهد کرد، این کار را انجام می‌دهیم. آیا امروزه تطبیق معمولاً اینگونه درک می‌شود؟ در اواخر عصر روشنگری، در حالی که برخی از اسپینوزا پیروی می‌کردند و به سادگی مرجعیت کتاب مقدس را رد می‌کردند، بسیاری از محققان نوعی مفهوم مرجعیت کتاب مقدس را حفظ کردند، اما تحت تأثیر سوسینوس، که دیدگاه‌هایش در مورد تطبیق شامل این ادعا بود که بسیاری از خطاهای آشکار در کتاب مقدس چیزی بیش از تطبیق خدا با انسان‌های ناقص نیست.

کسانی که این دیدگاه جدیدتر در مورد تطبیق را پیش‌فرض می‌گیرند، با پذیرش انواع خطاها، وقتی می‌گویند که تطبیق همیشه بخشی از برداشت‌های پیچیده از کتاب مقدس بوده است، گمراه‌کننده هستند. اگرچه قبلاً درست بود، اما این گفته، نحوه تغییر مفهوم تطبیق در قرن‌های اخیر را پنهان می‌کند. بحث در مورد یک موضوع پیچیده شده است.

می‌توان گفت که کالوین، سازش را به عنوان یک مقوله الهیاتی مرتبط با لطف خدا نسبت به ما می‌دانست و به نوعی در تجسم مسیح نمونه آن بود. این با دیدن آن به عنوان یک ابزار صرفاً بلاغی و تفسیری بسیار متفاوت است. چرا دیدگاه‌های کارل بارت در مورد کتاب مقدس امروزه دوباره مورد توجه بسیاری قرار گرفته است؟ حداقل سه دلیل وجود دارد.

اول اینکه، بارت قطعاً پرکارترین و شاید خلاق‌ترین متکلم قرن بیستم بود، بنابراین جای تعجب نیست که مردم نوشته‌های او را مطالعه می‌کنند. دوم اینکه، اندیشه بارت عمیقاً خدامحور، عمیقاً مسیح‌محور و عمیقاً فیض‌محور است. و سوم اینکه، دیدگاه او نسبت به کتاب مقدس، اگرچه کاملاً با اعتراف‌گرایی سنتی همسو نیست، اما محترمانه، ظریف و پیچیده است.

بنابراین، محققان همچنان در مورد آنچه او دقیقاً گفته است، بحث می‌کنند. آیا بارت نمی‌گوید که کتاب مقدس کلام خدا نیست، بلکه وقتی با ایمان دریافت می‌شود، به کلام خدا تبدیل می‌شود؟ در واقع، او می‌تواند

هر دو را تأیید کند. سوال این است که منظور او چیست؟ زبان در حال شدن برای بارت با اصرار او بر این که وحی اولیه کلام و وحی آن به فرد مؤمن در یک کل واحد به هم پیوسته‌اند، گره خورده است.

همین امر در مورد تلقی بارت از الهام نیز صادق است. او از صحبت در مورد کتاب مقدس به عنوان کتابی که از خود الهام گرفته شده است، امتناع می‌کند، اما آنچه را که به طور سنتی الهام کتاب مقدس و اشراق مؤمن نامیده می‌شود، در یک کل واحد پیوند می‌دهد. آیا بارت ادعا نمی‌کند که تا آنجا که به دیدگاهش در مورد کتاب مقدس مربوط می‌شود، با اصلاح‌طلبان همسو است؟ بله، او این کار را می‌کند، اما آشکارا اشتباه می‌کند.

برای مثال، مقایسه با کالوین، به چند مورد اشاره می‌کند که کالوین با خوشحالی از الهام کتاب مقدس صحبت می‌کند، یعنی خود متن، صرف نظر از اینکه مؤمنان آن را دریافت کنند یا نه، از الهام الهی سخن می‌گوید. بارت به صحبت در مورد دمیدن روح خدا هم در متن و هم در مؤمن اشاره می‌کند و بدین ترتیب خود را هم از تفسیر کتاب مقدس و هم از سنت اصلاحات فاصله می‌گیرد. به نظر می‌رسد که او در کتاب اصول عقاید کلیسا، به فاصله خود از کالوین اذعان دارد، e، بند ۳، ۲-۲.

آیا بارت وجود خطا در کتاب مقدس را می‌پذیرد؟ بله، او می‌پذیرد، هرچند از شناسایی آنها خودداری می‌کند. به نظر می‌رسد بارت بخشی از انسانی بودن کتاب مقدس است، هرچند اصرار دارد که مرجعیت و حیاتی خداوند شامل کل، خطاها و همه چیز می‌شود. این به نوبه خود، ناگزیر سؤالاتی را در مورد چگونگی بیان متون کتاب مقدس که شامل خطاهای شناسایی نشده هستند، مطرح می‌کند.

آیا کلیسای کاتولیک روم همان دیدگاهی را که شما در مورد کتاب مقدس به عنوان کلاسیک یا سنتی ۱۰:۱ توصیف کرده‌اید، دارد؟ بله، در واقع، در طول قرن‌های متمادی و تا همین اواخر، کاتولیک یکی از ارکان اصلی در این باور بوده است که کتاب مقدس منحصراً از جانب خدا الهام گرفته شده و عاری از خطا است، اما این کل ماجرا نیست. کاتولیک همچنین معتقد بوده است که سنت از اقتداری قابل مقایسه با کتاب مقدس برخوردار است و در هر صورت، مرجع تعلیمات، مرجع آموزشی کلیسا، به تنهایی تعیین می‌کند که کتاب مقدس و سنت به چه معناست. بنابراین، تا آنجا که به درک ماهیت کتاب مقدس مربوط می‌شود، بحث اصلاح‌طلبان با روم نه بر سر ماهیت کتاب مقدس، بلکه بر سر کفایت انحصاری آن بود.

آنها گفتند که مرجعیت کافی نیست. در واقع، گاهی اوقات، اعلامیه رسمی پاپ‌ها و شوراها اشتباه بوده است، منظور شما از اینکه تا همین اواخر، آیا دیدگاه‌های کاتولیک در مورد ماهیت کتاب مقدس تغییر کرده است چیست؟ در طول قرن گذشته یا بیشتر، کاتولیک به تدریج ابعاد انسانی بیشتری از کتاب مقدس را نسبت به گذشته به رسمیت شناخته است.

با این حال، واتیکان دوم نشان‌دهنده‌ی یک تغییر چشمگیر بود. کلیسای کاتولیک در واتیکان دوم، ۱۹۶۲- که تا حدودی تحت تأثیر پروتستان‌تیسیم لیبرال بود، تمایل داشت بخش زیادی از زبان سنتی را حفظ، ۱۹۶۵ کند، در حالی که به بسیاری از چیزهایی که نسل قبل آنها را خطا می‌دانست، اجازه می‌داد در کتاب مقدس وجود داشته باشد. آیا اجماع علمی در مورد زمانی که مجموعه عهد عتیق کم و بیش پایدار بوده است، وجود دارد؟ خیر.

بین مینیمالیست‌ها و ماکسیمالیست‌ها اختلاف نظر شدیدی وجود دارد. مینیمالیست‌ها معتقدند که مجموعه عهد عتیق تا قرن دوم میلادی شکل نگرفته و دو قرن بعد نیز همچنان مورد مناقشه بوده است. ماکسیمالیست‌ها معتقدند که مجموعه عهد عتیق تا قرن دوم پیش از میلاد پایدار بوده و مباحثات خاخام‌ها پس از مسیح اساساً تأییدکننده بوده است.

ماهیت شواهدی که این دو موضع بر سر آن در حال نزاع هستند چیست؟ شواهد به اندازه‌ای که ما انتظار داریم وجود ندارد، اما متن مهم، کتاب «علیه آپیون» نوشته‌ی یوسفوس است که در اواخر قرن اول میلادی یا میلادی نوشته شده است. یوسفوس بدون ذکر دقیق کتاب‌های موجود در مجموعه کتب مقدس، به وضوح از کتاب‌های مجموعه کتب مقدس عبری صحبت می‌کند که چند قرن قبل از آن وجود داشته‌اند. بحث‌های بعدی خاخام‌ها نیز به همین سمت گرایش دارد.

مینیمالیست‌ها تمایل دارند به اعتبار یوسفوس حمله کنند و معنای منابع خاخامی را مورد بحث قرار دهند. ماکسیمالیست‌ها نه تنها یوسفوس را به همان شکل اولیه‌اش می‌پذیرند، بلکه تلاش‌ها برای توضیح سخنان روشن او را نیز به سادگی بی‌اعتبار می‌دانند. چرا اختلافات اساسی بین محققان ۱۲.۱ در مورد تاریخ اسرائیل برای ایمان مسیحی ما مهم است؟ آنها به دو دلیل اهمیت دارند.

اول اینکه، بخش زیادی از مسیحیت کتاب مقدس به عنوان یک دین تاریخی مطرح می‌شود. یعنی خداوند خود را از طریق وقایعی که در تاریخ، در پیوستار فضا-زمان، رخ می‌دهند، بر ما آشکار کرده است. نمونه‌ی عالی آن رستاخیز مسیح است.

رسول روشن می‌کند که اگر مسیح واقعاً از مردگان برنخاسته باشد، پس کل ایمان ما یک نمایش مضحک است. تاریخ اسرائیل، از یک نظر، نمونه‌ی آزمایشی مفیدی از چگونگی تفکر مسیحیان در مورد تاریخ و تجلی خدا در آن تاریخ است. در عهد عتیق، رویداد رستاخیزی بسیار مهم، خروج است.

دو متن از کتاب مقدس که ادعا می‌کنند به ما می‌گویند در گذشته چه اتفاقی افتاده است، بخش‌هایی هستند که در آنها وحی الهی با ادعاهای معمول گزارش‌های قابل اعتماد در هم می‌آمیزد. اگر نمی‌توان به کتاب مقدس در جایی که ادعاهای آن به راحتی قابل تأیید یا ابطال است، اعتماد کرد، چرا باید در زمینه‌های دیگر به آن اعتماد کرد؟

سپس سوال مهم‌تر این می‌شود که چرا این اختلافات اساسی در مورد تاریخ اسرائیل وجود دارد؟ چرا ۱۲.۲ محققان نمی‌توانند در مورد چنین موضوعاتی به توافق برسند؟ این سوال خوبی است و به ندرت توسط خود محققان به طور مستقیم مورد بحث قرار می‌گیرد. اغلب، تفاوت عمیقی در باورهای کنترلی مربوطه آنها وجود دارد.

برای مثال، برخی از محققان عمیقاً به طبیعت‌گرایی فلسفی متعهد هستند و از هرگونه توسل به نفوذ یا قدرت ماوراءالطبیعه در بحث‌های مربوط به موضوعاتی که گفته می‌شود در عرصه تاریخی هستند، اجتناب می‌کنند. برخی دیگر معتقدند که هرگونه بحثی در مورد خدای کتاب مقدس باید به او اجازه دهد تا به شیوه‌هایی عمل کند که آشکارا ماوراءالطبیعه هستند. این باورهای کنترل‌کننده ناگزیر بر نحوه قرائت ما از متون کتاب مقدس تأثیر می‌گذارند.

آیا وقتی نسخه‌های خطی را نداریم، منطقی است که تأیید کنیم کتاب مقدس در نسخه اصلی بی‌خطا است؟ این یکی از رایج‌ترین اعتراضات بارت ارمن و دیگران است. این اعتراض تا حدودی سطحی و قابل قبول است اما با بررسی دقیق‌تر، به چندگانگی اصطلاحاتی مانند کتاب مقدس، متن و نسخه اصلی برمی‌گردد. منظور شما از چندگانگی در این عبارات چیست؟

این صرفاً راهی برای گفتن این است که این کلمات می‌توانند در زمینه‌های مختلف معانی کمی متفاوتی ۱۳.۲ داشته باشند.

برای مثال، «کتاب مقدس» می‌تواند به مجموعه‌ای از کتاب‌ها که کتاب مقدس را تشکیل می‌دهند، اشاره داشته باشد. همچنین، می‌تواند به یک نسخه خاص اشاره داشته باشد. اصلی «می‌تواند به زبان‌های اصلی کتاب مقدس اشاره داشته باشد، یا می‌تواند به یک دست‌نوشته اشاره داشته باشد».

متن می‌تواند به نسخه خطی واقعی که چیزی روی آن نوشته یا چاپ شده است اشاره داشته باشد، یا می‌تواند به پیامی که در کلمات رمزگذاری شده است بدون اشاره به هیچ چیز ملموسی اشاره داشته باشد. این چه تفاوتی در بحث‌های مربوط به خطاناپذیری ایجاد می‌کند؟ ارمن و دیگران اعتراض دارند که وقتی انجیلی‌ها خطاناپذیری متن را تأیید می‌کنند، آنها، انجیلی‌ها، بر خطاناپذیری چیزی که ندارند، یعنی متن اصلی، تأکید می‌کنند. اما برخوردهای پیچیده انجیلی‌ها با خطاناپذیری چنین ادعایی را مطرح نمی‌کند.

مانند وارفیلد، وقتی از متن صحبت می‌کنند، به تعریف غیرمادی، یعنی پیام کتاب مقدس، اشاره دارند. به عبارت دیگر، ایراد ارمن به یک مشت دروغین حمله می‌کند. همین نوع اشتباه در مورد چندین عبارت و گاهی اوقات، متأسفانه، توسط خود انجیلی‌ها نیز رخ می‌دهد.

در سخنرانی بعدی مان، به برخی از این پرسش‌های متداول در مورد این کتاب فوق‌العاده‌ی اخیر، «اقتدار پایدار متون مقدس مسیحی»، ادامه خواهیم داد.

این سخنرانی دکتر رابرت ای. پترسون در تدریس خود در مورد مکاشفه و کتاب مقدس است. این جلسه ۱۹، کتاب مقدس، نتایج الهام است. کتاب مقدس کافی، واضح و مفید است.